

درس خارج
فقه نظام عمران شهری
جلسه ۴۴ (نمادها ۷)

۹۵/۱۱/۱۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلَاةُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ

مطلب هفدهم از مطالب مربوط به فقه عمران شهری را بحث می‌کنیم. این هفده اصل، اصولی بود که بیان کردیم و وقتی این اصول را در کنار هم قرار بدهیم، آن نظام عمران شهری از نگاه شرع اسلام تشکیل خواهد شد.

مطلب هفدهم را چنین عنوان می‌کنیم: «ضرورت بهره‌برداری از دام‌ها در زندگی اجتماعی شهری». از متون شرع؛ چه از قرآن کریم یا از روایات استفاده می‌کنیم که بهره‌برداری از دام‌های اهلی، جزء مقومات زندگی شهری است؛ یعنی خداوند متعال زندگی بشر را طوری ترتیب داده است که باید از این حیوانات اهلی، مخصوصاً انعام ثلاثه، «خیل و بغال و حمیر» بهره‌برداری شود. به اعتقاد ما یکی از مشکلات زندگی شهری معاصر - که می‌گویند شهرهای مادی از لحاظ هوای تنفسی، آلودگی دارند - [به دلیل عدم استفاده از حیوانات اهلی در سطح شهر است]. این مشکل آلودگی، یک مشکل عامی است که نه تنها در شهرهای بسیار بزرگ و کلان وجود دارد بلکه در همه شهرهای نسبتاً بزرگ هم به وجود آمده است. البته در شهرهای کلان که این مسئله یک فاجعه شده است.

مسئله آلودگی، مسئله افسردگی، مسئله ترافیک و همه مسائل دیگر که روی هم حساب شود به گونه‌ای هستند که زندگی شهری را برای مردم، تلخ کرده‌اند. به نظر ما همه این مشکلاتی که الآن در زندگی شهری وجود دارد، از ترافیک، آلودگی هوا، فشار روانی و تا آلودگی صوتی و خیلی از این چیزها در نتیجه عدم عمل به این اصل مهمی است که در شرع بر آن تأکید شده است.

ما از ادله شرعی استفاده می‌کنیم که بهره‌برداری از دام‌های اهلی جزء مقومات زندگی بشر است. حتی بسیاری از بیماری‌هایی که امروزه بشر به آن مبتلا است مانند بیماری‌های قند و سرطان و کلسترول و غیره در نتیجه تخلف از این بحث است.

ابتدا آیات قرآنی را بحث می‌کنیم و بعد به روایات هم اشاره خواهیم کرد.

قال الله تعالى:

«وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ * وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ * وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بِالْغِيَةِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرؤُوفٌ رَّحِيمٌ * وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»^۱

اولاً خداوند متعال در این آیات قرآن کریم متعرض به دو دسته از دام‌ها شده است؛ دسته اول، شتر و گاو و گوسفند و است که فرموده است: «الأنعام». معمولاً در لغت گفته می‌شود که مراد از «الأنعام» این سه دسته از حیوانات است: «گاو، شتر، گوسفند». در مفردات در ماده «نعم» آمده است: «و الأنعام تقال للإبل و البقرة و الغنم». این دسته از دام‌ها که به آن‌ها انعام گفته می‌شود، دام‌های اهلی‌اند که سه نوع منفعت برای آن‌ها ذکر شده است؛ ۱- پوشش که از پشم و پوست آن‌ها استفاده می‌شود، ۲- غذا که از گوشت و شیر آن‌ها بهره‌برداری می‌شود و ۳- سواری و حمل بار توسط آن‌هاست.

اما برای دسته دوم که «خیل، بغال و حمیر» است دو نوع بهره‌برداری ذکر شده است؛ یکی زینت و دیگری سوار شدن و استفاده از آن‌ها برای جابجایی؛ «و الْخَيْلُ وَ الْبُغَالُ وَ الْحَمِيرُ لَتَرْكُوبُهَا وَ زِينَةً». ما از این «لترکبوها» می‌فهمیم که این‌طور نیست که این فقط یک منفعتی باشد و بر این‌ها بار شود، خیر! می‌فرماید: «خلقها لكم لتركبوها» معلوم می‌شود عنایتی بر رکوب این انعام ثلاثة وجود دارد و اصل این رکوب در شرع، موضوعیت دارد. از این مطلب استفاده می‌شود که این «خیل و بغال و حمیر» برای استفاده بشر در رکوب آفریده شده‌اند و باید در زندگی شهری از این‌ها استفاده شود. حال اگر واقعاً شهرها را طوری تنظیم می‌کردیم که بشر بتواند در نقل و انتقال از آن‌ها استفاده کند، چه داعی داریم که فقط ماشین سوار شویم؟! من حساب کردم که مثلاً در تهران ما اگر با اسب از یک نقطه به نقطه دیگر می‌رفتیم یا زودتر می‌رسیدیم یا دیرتر از ماشین نمی‌رسیدیم. همین الآن در شهرهای بزرگ این‌گونه است. در سفری که به اندونزی داشتیم، چاره‌ای نداشتیم که سوار ماشین شویم، می‌گفتند حتماً باید سوار ماشین شوید. یک مسافتی که اگر پای پیاده می‌رفتیم پنج دقیقه بیشتر نمی‌شد. سه ربع ساعت معطل شدیم تا این ماشین ما را به مقصد برساند. خب دلیلش چیست که بشر را دچار این چنین مشکلی می‌کنید؟!

به نظر ما زندگی شهری، زندگی‌ای است که در آن باید به اقل استفاده از وسایل نقلیه مکانیکی و سوخت‌زا اکتفا شود. برای استفاده‌های ضروری مثل اینکه بخواهند بیماری را ببرند یا کسی نیاز دارد با یک سرعت خاص از نقطه‌ای به نقطه دیگر منتقل شود، اشکالی ندارد اما اگر شهر، شهری باشد که ما تعریف کردیم، بیش‌تر از نیم ساعت نباید طی مسافت از انسان وقت بگیرد و این انتقال از یک نقطه به نقطه دیگر، کاملاً با دام‌ها عملی خواهد بود.

ما به شهرهای بزرگ خارجی سفر کرده‌ایم؛ مثلاً لندن که ما زندگی می‌کردیم در آن یک راه‌هایی مخصوص اسب‌سواری درست کرده بودند. اما این اسب‌سواری مخصوص سرمایه‌داران بود. خب وقتی چیزی می‌شود مخصوص سرمایه‌داران، یعنی چیز خوبی است که باعث کیف و لذت انسان می‌شود. وسط شهر یک راه‌های

مخصوصی ساخته‌اند و در آن راه‌ها شن هم گذاشته‌اند. همان اطراف هایتپرک و آن طرف‌ها بود، سرمایه‌داران سوار اسب‌هایشان از آنجا گذر می‌کردند.

اگر برای آن‌ها باشد، هیچ اشکالی ندارد و مخالف با تمدن نیست اما حالا اگر ما بگوییم در زندگی شهری بگذارید مردم از الاغ هم استفاده کنند، بگذارید کسی که می‌تواند از اسب استفاده کند این کار را انجام دهد؛ می‌گویند شما می‌خواهید ما را به عصر حجر برگردانید! می‌خواهید ما را به عصر الاغ‌سواری برگردانید. اگر آن‌ها الاغ‌سواری کنند می‌شوند متمدن و الاغ‌سواریشان متمدنانه است اما اگر ما بخواهیم الاغ‌سواری کنیم می‌شود الاغ‌سواری عصر حجری! فلذا ما گفتیم که تمدن غرب، تمدن نفی دیگری ستیزگر است؛ یعنی می‌خواهد دیگری را نابود کنند. بحث این نیست که بخواهد نفعی به بشر برساند بلکه بحث این است که چون این تمدن مبتنی بر مصالح سرمایه‌داران است پس زندگی شهری هم در جهت تأمین مصالح سرمایه‌داران تنظیم می‌کند. اینکه حتماً باید مردم، ماشین‌سوار شوند به نفع مردم نیست بلکه این به نفع سرمایه‌داری است که می‌خواهد ماشین تولید کنند و از این تولید خود سود ببرد. در این کار نفع مردم مدنظر قرار نگرفته است زیرا اگر منافع مردم مدنظر بود، می‌گفتند ماشین به قدر نیاز، تولید شود.

یکی از جنایات‌هایی که در همین دولت انجام گرفت -حالا به هر قصدی که می‌خواهد باشد- این بود که مطرح کردند که ما ۱۱۰ هزار وام ۲۵ میلیونی برای خرید ماشین می‌دهیم. این کار برای چه بود؟ برای تحریک ماشین خریدن! این چه مبنایی دارد؟ چرا مردم را تحریک تقاضا کردند؟ تحریک تقاضا یعنی ایجاد تقاضای کاذب؛ یک ولوله‌ای در جان مردم مستضعف افتاده بود که حتماً ماشین بخرند. کسی که یک ماشین داشت هم یک ماشین دیگر هم بخرد، کسی که سه تا داشت، چهارتایش کند. کسی که نداشت، قرض کند و حتماً یک ماشین بخرد. به چه داعی؟ هر وقت کسی احساس نیاز کرد، خودش برود و ماشین بخرد.

پس این زندگی شهری را مبتنی بر این کار کردن که ربطی به مردم هم ندارد. به آنچه ربط دارد عبارت است از جیب سرمایه‌داران! اگر زندگی بخواهد زندگی سالم شهری شود باید همان‌طور که برای ماشین‌ها پارکینگ درست می‌کنند، برای استقرار حیوانات هم درست کنند. اصلاً بیایند و حیوانات را اجاره و کرایه دهند. کسی از یک جایی بخواهد به جای دیگر منتقل شود، سوار اسب و قاطر و حتی الاغ شود. اگر چنین چیزی را رعایت کنیم که در شهرها به اندازه اقل ضرورت از وسایل نقلیه سوخت‌زا استفاده شود و از همین وسایل نقلیه طبیعی الهی استفاده شود، آن وقت معلوم می‌شود ما چقدر بیماری کلسترول و قند و سرطان و بیماری‌های عجیب و غریب دیگر داریم. در حال حاضر کلاً زندگی را بر بشر، حرام کرده‌اند؛ در شهرهای بزرگ نه جسم سالمی و نه آرامشی برای افراد مانده است. خودشان می‌گویند نود درصد مردم مریض هستند؛ این چگونه زندگی‌ای است؟! در حال حاضر مردم، یا مریضی دارند، یا اضافه‌وزن دارند یا چربی یا قند یا سرطان و یا سل

دارند. حتی وقتی می‌خواهند نفس بکشند نمی‌توانند. در تهران همه افراد جلوی بینی خود را گرفته‌اند. آیا این زندگی است که برای مردم درست کرده‌اند؟ نفس کشیدن و زندگی را برای مردم حرام کرده‌اند؛ اگر هم کسی بیاید یک حرفی بزند او را هوو می‌کنند. چه اشکالی دارد که استفاده متعارف ما از وسایل خدادادی باشد، «و الخیل و البغال و الحمیر لتركبوها» آیه این را می‌گوید. البته یک آیه و دو آیه نیست بلکه در این رابطه آیات زیاد دیگری هم وارد شده است.

بعد می‌فرماید: «وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ» این زینت اشاره به آن آرامش و صفای معنوی است که استفاده از این دام‌ها آن را به وجود می‌آورد؛ یعنی تنها سلامتی جسمانی نیست بلکه هم سلامتی جسمانی و هم سلامتی روان را تضمین می‌کند.

در آیات دیگر هم داریم:

«اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ * وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ»^۲

یا مثلاً خداوند متعال در سوره زخرف می‌فرماید:

«وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ * لَتَسْتَثْوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ»^۳

آیه دیگری که به این موضوع می‌پردازد:

«أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ * وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ»^۴

این مسئله تذلیل هم بسیار مهم است؛ یعنی ما دو نوع حیوانات داریم؛ اهلی و وحشی. اینکه اهلی‌اند به این شکل نیست که آن‌ها را بشر اهلی کند البته حیوانات وحشی را که اهلی می‌کنند بحث دیگری است ولی یک عده از حیوانات هستند که طبیعتاً اهلی هستند. یعنی خداوند آن‌ها را طوری آفریده است که با بشر، زندگی کنند. اصلاً باید با بشر زندگی کنند، زندگی بشر باید آمیخته به این‌ها باشد و اگر این‌ها جدای از زندگی بشر کنند، زندگی بشر مختل می‌شود. این «فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ» یعنی چه؟ از این آیات استفاده می‌کنیم که مسئله بهره‌برداری از حیوانات اهلی در زندگی شهری، یک فریضه اجمالی است؛ یعنی یک فرض است، نه این است که بگوییم بشر می‌خواهد از یک جایی به مکانی دیگر منتقل شود، حال این وسیله هر چه می‌خواهد باشد. نه!

۲. غافر: ۷۹ و ۸۰

۳. زخرف: ۱۲ و ۱۳

۴. یس: ۷۱ و ۷۲

فرض است یعنی جزء لا ینفک زندگی سالم شهری است؛ فلذا باید در ساخت و ساز و معماری شهرها این بهره‌برداری مورد نظر قرار گیرد، باید در راه‌ها و پارکینگ‌ها، محل‌هایی برای استقرار حیوانات در نظر گرفته شود.

در روایت وارد شده است:

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِ عَنْ مُوسَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ بَيْعِ الْكَلَالِ وَالْمَرَاعِي فَقَالَ لَا بَأْسَ بِهِ قَدْ حَمَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ النَّقِيعَ لِخَيْلِ الْمُسْلِمِينَ.»^۵

یعنی رسول اکرم ﷺ در مدینه پارکینگ خیل ایجاد کرد. یعنی منطقه «نقیع» را قُرق کردند و گفتند کسی حق ندارد استفاده دیگری از این منطقه کند و اینجا باید پارکینگ خیل مسلمین باشد. پس در زندگی شهری باید این مطلب در نظر گرفته شود؛ شهری که می‌خواهیم بسازیم از اول باید به شکلی باشد که جایی در این شهر برای استفاده از چهارپایان وجود داشته باشند. همچنین باید مردم را تشویق کنیم که از آن‌ها استفاده کنند. قبلاً هم مطرح شد که در طراحی شهرها باید کاری کنند که مردم، حداکثر استفاده از پیاده‌روی در رسیدن به مقاصد را کنند. هم‌چنین بیان شد که مکان‌های ضروری برای استفاده مردم باید به شکلی طراحی شوند که آن‌قدر دور نباشد که هرکسی که بخواهد برای قضای حاجتش به آنجا برسد حتماً سوار وسیله شود. این‌ها بحث‌های دیگری است که ما در جای خودش آوردیم. حتی باید برای اینکه اگر کسی می‌خواهد در خانه‌اش از حیواناتی چون مرغ را نگهداری کند که هم نیازش را برآورده کند و هم مزایای دیگری داشته باشد، تشویقاتی صورت بگیرد.

این بحث را احتمالاً در مباحث اقتصادی بیان کردیم؛ مفصل بحث کردیم که نباید اقتصاد خانه را نفی کرد؟ این هم مسئله سرمایه‌داری است. یک بحث مهمی را که ما آنجا داریم این است که سیستم اقتصادی حاکم بر جوامع امروز، سیستمی است که می‌خواهد اقتصادهای خرد را به هر شکل شده است نابود کند و اقتصاد کلان را در اختیار سرمایه‌داران قرار دهد. متأسفانه بنده مشاهده کردم که یکی از مسئولین بانک‌ها مصاحبه می‌کرد و می‌گفت باید کاری کنیم که بانک‌ها بتواند فقط وام‌های کلان بدهد؛ این یعنی همان چیزی که نباید بشود. مشکل بانک‌های ما همین است که در حال حاضر پشتیبان نظام سرمایه‌داری شده‌اند؛ یعنی فقط به سرمایه‌داران وام می‌دهند. جمع‌آوری پول‌های خرد و در اختیار گذاشتن این پول‌های خرد به نفع سرمایه‌داران. آن‌وقت بهره این پول‌ها را که می‌برد؟ مردم؟ نه! سرمایه‌داران. مردم همیشه فقیر بمانند و سرمایه‌داران گردنشان کلفت‌تر می‌شود. این خصوصیت این سیستم است؛ و لذا سیستم صحیح اقتصادی، تقویت اقتصادهای خرد و

اقتصادهای خانگی است. عرب‌ها می‌گویند: «اقتصادیات البیت» یعنی باید کاری کنیم که مردم حتی المقدور بتوانند در خانه تولید کنند، چه تولید دامی و چه تولید زرع. مثلاً مردم یک باغچه‌ای داشته باشند. سابقاً مردم خیلی از نیازهای خود را در خانه‌هایشان تأمین می‌کردند، مثلاً تخم‌مرغشان را در خانه تهیه می‌کردند. آیا همه باید از بیرون خانه، تخم‌مرغ تهیه کنند؟ این مگر چه خرجی دارد؟ چقدر کار مشکلی است که هرکسی سه تا چهارتا مرغ و خروس داشته باشد که روزی چند تا تخم‌مرغ برای مصرف روزانه‌اش تولید کند. این به چه کسی ضرر می‌زند؟ این‌ها خوب است. شما اگر این کار را کنید، همیشه غذای سالم خواهید داشت و به دنبال آن جامعه سالم هم دارید. می‌گویند نباید این کار صورت بگیرد بلکه ما باید کارخانه‌های بزرگ داشته باشیم، ما باید تولیدهای کلان داشته باشیم. چرا؟ این به نفع چه کسی است؟ اینکه به نفع مردم نیست و فقط به نفع سرمایه‌داران است.

این یک مطلب بسیار مهمی است که در آن راستا بحث خواهیم کرد که باید در تقویت اقتصاد خانه طوری حرکت کرد که دولت به مردم کمک کند. اداره‌های بهداشت عمومی بیایند، بهداشت دام‌های خانگی، بهداشت مرغ خانگی را تأمین کنند تا بشود در خانه هم مرغ تربیت کرد. هرکسی اگر خانه دویست متری هم داشته باشد بتواند یک جایی از آن را به مرغ و خروس اختصاص دهد. البته حالا پرندگان دیگری هم هست. حتی هرکسی باید بتواند باغچه‌ای داشته باشد که در باغچه‌اش چیزی را کشت کند. این‌ها مواردی است که جزء مقومات زندگی است و چیزی نیست که بگوییم بشود یا نشود. اما امروزه به دلیل اینکه چنین نیست با این مشکلات زیادی هم در اقتصاد و هم در زندگی شهری مواجه هستیم.

و صلی الله علی محمد و آله و سلم